

## طبقه‌بندی در فضای مجازی

(با تأکید بر نظرات تردینیک)

غلامرضا فدائی

استاد دانشگاه تهران، ایران

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

### چکیده

**هدف:** در این مقاله به اهمیت طبقه‌بندی در فضای مجازی پرداخته می‌شود و اینکه با توجه به انفجار اطلاعات نه تنها ارزش طبقه‌بندی (علم اطلاعات و دانش‌شناسی) از بین نرفته بلکه بیشتر هم شده است.

**روش:** در این مقاله، از روش سندی یا کتابخانه‌ای استفاده شده و با تکیه بر کتاب «بسترهای اطلاعات دیجیتال» اثر لوک تردینیک (۱۳۹۵) رویکردی تحلیلی نسبت به موضوع طبقه‌بندی اتخاذ گردیده است.

**یافته‌ها:** طبقه‌بندی با معرفت‌شناسی همزاد و همسایه است و برای ایجاد معرفت ناگزیر از طبقه‌بندی و مقوله‌بندی هستیم. در دنیای جدید به خاطر تغییر رویکرد انسان‌ها به علم و دانش، طبقه‌بندی هم مسیر دیگری پیدا کرده است. در گذشته نه‌چندان دور در غرب، با توجه به رویکردی که دیویی نسبت به کتابداری و کتابدار اتخاذ کرده بود که طبعاً کتابدار بایستی دروازه‌بان دانش و پاسدار ارزش‌های اومانستی باشد و نیز به لحاظ اینکه وی از نظر اقتصادی زنان را برای تصدی این حرفه مناسب‌تر تشخیص داده بود، لذا این سنت‌ها همچنان باقی مانده و بر رشته کتابداری سنگینی می‌کند. اما از آنجا که دنیای امروز رویکردش در خدمات کتابداری از سازمان‌محوری به مردم‌محوری و از لحاظ زیان‌شناختی از دلالت‌های تناظری یک‌به‌یک به ربط شبکه‌ای سوق پیدا کرده است، می‌طلبید که کتابداری و علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم با رویکردی جدید به بازمینی هویت خود پردازد و برای خدمات‌های جدید در دنیای دیجیتال آماده شود و نه تنها فارغ از نگاه عالمانه روز نباشد بلکه همچون سایر رشته‌ها و با نگاهی کیفی به خدمت مشغول باشد. در گذشته اسلامی هم وضعیت به گونه‌ای بوده است که کتابدار نه تنها به بانوان اختصاص نداشته است بلکه کسانی کتابدار بوده‌اند که خود دانشمند و یا دانش‌دوست واقعی بوده‌ند که دیگران از خدمات مشاوره‌ای علمی آنها برخوردار می‌شده‌اند.

**اصالت/ارزش:** ارزش این مقاله در رسیدن استدلالی به این پیشنهاد است که باید کتابداری و یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی امروز با تغییر رویکرد در تنظیم برنامه‌دستی به گونه‌ای بکوشد تا جوابگوی نیازهای روزافزون جامعه باشد.

**کلیدواژه‌ها:** طبقه‌بندی، رده‌بندی، فضای مجازی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابخانه.

Research on Information Science and Public Libraries; The Quarterly Journal of Iran Public Libraries Foundation; Vol. 23, No.1; Successive No. 88; Spring 2017; Pp. 11-30; Indexed in ISC, SID & MagIran.

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی؛ فصلنامه علمی-پژوهشی؛ دوره ۲۳، شماره ۱، پیاپی ۸۸، بهار ۱۳۹۶  
ص ۱۱-۳۰ نمایه‌شده در ISC, SID, MagIran

## مقدمه

اهمیت علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر کسی پوشیده نیست. علم و توسعه علمی اگر بر مدار پژوهش‌های علمی نباشد تأثیرگذار نیست و ره به جایی نمی‌برد. این توسعه بی‌شک نیاز به بهره‌مندی از اطلاعات و اسناد دارد و این‌ها جز از طریق کتابخانه‌ها و مراکز اسناد قابل دستیابی نیست. دستیابی دقیق، سریع و صحیح و با صرفه هم به غیر از طریق طبقه‌بندی<sup>۱</sup> علم میسر نخواهد بود (فدائی، ۱۳۹۴). حجم تولیدات علمی و یا شبه‌علمی و به‌ویژه با ظهور فناوری‌های نوین الکترونیکی به حدی است که همه را متحیر کرده است. اگر به این خبر که گفته‌اند در گوگل سه هزار کتاب در روز آرشیو می‌شود (تقسیم‌بندی دیجیتال، ۱۳۹۴) توجه شود می‌توان به اهمیت قضیه از یک طرف و دشواری طبقه‌بندی از طرف دیگر پی برد. اگر چه با ظهور فناوری بیشتر تلاش‌ها در جهت استفاده از فناوری برای دسترسی‌هاست و کتابداران و متخصصان علم اطلاعات هم از این منظر به رشته خود می‌نگرند ولی آنان که به صورت علمی و نظری با مسائل برخورد می‌کنند ناگزیر از کشف روابط بین پدیده‌ها و به‌ویژه در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستند. تردینیک<sup>۲</sup> علم و علوم اجتماعی، و علم اطلاعات را کلافی درهم‌پیچیده از ریشه‌های در هم‌تنیده بسیاری می‌داند (۷۱)<sup>۳</sup> و حجم روز افزون اطلاعات بر این سردرگمی افزوده است. با این حال، علم اطلاعات هویت خود را به عنوان رشته‌ای جدید همگام با علم تثبیت کرد (۷۲) و از فناوری برای پردازش، ذخیره و بازیابی استفاده نمود (۷۲). او اظهار می‌دارد: «علم در فرهنگ غربی در دوره روشنگری به‌وجود آمد» و پیش از آن نظریات علمی موجود نظریاتی بوده که از نوشته‌های اسلامی، یهودی و یونان باستان به‌ویژه ارسطو و ابن‌رشد گرفته شده بود (۷۲). بعد از رنسانس بود که فلسفه توانست خود را از قید الهیات<sup>۴</sup> آزاد کند

۱. طبقه‌بندی در اینجا به مفهوم عام آن در نظر گرفته شده تا شامل علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) شود. زیرا که اساس این علم ذخیره و بازیابی اطلاعات است که بر طبقه‌بندی استوار است.
۲. لوک تردینیک (Luke Tredinnik) استاد مدیریت اطلاعات در دانشگاه متروپولیتن لندن و مدیر گروه مدیریت اطلاعات دیجیتال در مقطع کارشناسی ارشد است. از دیگر کتاب‌های او عبارتند از «چرا اینترنت‌ها شکست می‌خورند» و «فرهنگ اطلاعات دیجیتال» (تردینیک، ۱۳۹۵).
۳. شماره‌های داخل پرانتز ارجاع به صفحات کتاب «بسترها با اطلاعات دیجیتال» اثر لوک تردینیک (۱۳۹۵) است.
۴. بنگرید به یادداشت آخر مقاله از آلبر کامو.

(۷۲) و تجربه علمی خود را شکل دهد (۷۲). او ابتدا بیکن و روش استقرائی او و عدم تأثیر شخص دانشمند در نبود پیش فرض در فرایند علمی را مطرح می‌کند (۷۳). آنگاه از هیوم سخن می‌گوید که بر شیوه استقرائی بیکن ضربه وارد کرد (۷۴). سپس پوپر با بازنگری ایرادات هیوم، فلسفه علم خود را طراحی می‌کند و اینکه مدل نیوتنی پس از ۲۰۰ سال فرو می‌ریزد (۷۵). پوپر ابراز کرد که «این تصور عمومی که دانش علمی واقعیت‌محور است» نادرست است (۷۶). ابطال‌پذیری او جایگاه نظریات علمی را زیر سؤال برد، به این عنوان که «نظریات علمی دیگر تجسم عینی حقیقت نیستند و صرفاً تلاش‌های بشری برای درک عالم‌اند» (۷۶). به نظر تردینیک، پوپر آنچه را بیکن ساخت که دانشمند نقشی در پژوهش‌های علمی ندارد ویران کرد. او نقش دانشمند را در تحقیقات علمی دخیل و جنبه‌های اجتماعی فرهنگی را مهم دانست و این باعث شد تا کوهن پارادایم انقلاب علمی خود را مطرح کند (۷۷). به نظریه کوهن هم ایراداتی وارد شد که از جمله استفاده از پارادایم است که بدون دقت به کار برده شده است (۸۰). کوهن و پوپر هر دو ایشکالاتی بر علوم اجتماعی وارد کردند. کوهن عنوان کرد که علوم اجتماعی پیش‌پارادایمی است و بدون آن علم نمی‌تواند پیشرفت کند و پوپر هم گفت که بسیاری از نظریات علوم اجتماعی ابطال‌ناپذیرند و نمی‌توان آنها را علمی دانست (۸۰).

### طبقه‌بندی و معرفت‌شناسی

طبقه‌بندی و معرفت‌شناسی همزاد و هم خانواده‌اند به این معنا که وقتی معرفت حاصل می‌شود برای بازیابی آن شما ناگزیر به طبقه‌بندی هستید و گرنه نمی‌توانید آن را بازیابی کنید. به تعبیر دیگر ما اطلاعات را به حافظه می‌سپاریم که بازیابی کنیم و اگر بازیابی به‌منظور استفاده نبود نه نیازی به حافظه بود و نه به طبقه‌بندی (فدائی، ۱۳۹۴، مقاله ۶). تردینیک (۱۳۹۵) هم در ارتباط با طبقه‌بندی و ربط آن با معرفت‌شناسی در کتابخانه‌ها می‌گوید:

رده‌بندی آشکارترین نمونه برای تأثیر پیش‌فرض‌های پنهان هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برگسترش مدیریت کتابخانه و اطلاعات است (۶۴).

تاریخ طبقه‌بندی با تاریخ علم همراه و همزاد است. اصلاً تا دسته‌بندی، تقسیم‌بندی و یا طبقه‌بندی نباشد علمی به وجود نمی‌آید و معرفتی حاصل نمی‌شود. این طبقه‌بندی‌ها و

تقسیم‌بندی‌ها هم خود به نوعی به نوع نگاه انسان به جهان و یا به نوع استفاده انسان از جهان بر می‌گردد به این معنا که شما به جهان چگونه می‌نگرید و یا از جهان چگونه می‌خواهید استفاده کنید، طبقه‌بندی شما هم همان شکل و شمایل را پیدا می‌کند. در زمانی که معرفت‌نظری تعیین‌کننده همه چیز بود طبقه‌بندی‌ها هم بیشتر رنگ‌نظری داشت و در دنیای امروز که عمل و کاربرد مدنظر است طبقه‌بندی‌ها هم همان شکل و شمایل را دارند. در بسیار از موارد کاربرد و نحوه عمل ما بر شناخت ما تأثیرگذار است. به عنوان مثال در دنیای قدیم فرهنگ اومانیزم و چاپ، و در دنیای جدید فناوری نو تأثیرات فراوانی بر علم و طبقه‌بندی آن گذاشته‌اند. تردینیک (۱۳۹۵) هم می‌گوید: «اما تأثیر حوزه‌های دیگری هم چون اومانیزم و فرهنگ چاپ بر درک ما از اطلاعات نیز از جمله همین حوزه‌هاست و در همین درجه از اهمیت قرار دارد (۶۵-۶۶)».

اگر دقت کنیم می‌بینیم که در طول تاریخ تفکر انسان همواره در حوزه‌های علمی مختلف بحث بر دو محور پیشینی و پسینی، قیاسی و استقرائی، سازمان‌محور و مردم‌محور و مانند آن در نوسان بوده است و این به نوع نگاه انسان به جهان و طریقه کسب معرفت وی برمی‌گردد. در حوزه معرفت‌شناسی عده‌ای برای بشر به معلومات پیشینی قائل بودند؛ به این معنا که بشر وقتی به این دنیا می‌آید با خود اطلاعات و معلومات اولیه‌ای را به همراه دارد و عده‌ای دیگر در مقابل، وی را فاقد هر گونه اطلاعات و دانش می‌دانند و اینکه هر چه او می‌داند در سایه تجاربی است که به دست می‌آورد. خردگراها و تجربه‌گراها هم همین نوع تفکر را دارند و این به آموزه‌های مسیحی و کلیسایی بر می‌گردد که معتقد بودند که چیزهایی را ما باید در حوزه معرفتی همینطور قبول کنیم، در حالیکه تجربه‌گراها و نیز اثبات‌گراها به تجربه صرف اعتقاد داشتند.

### دیوبی و جایگاه کتابداران و تأثیر آن بر طبقه‌بندی

همانطور که اشاره شد دیوبی کتابداران را دروازه‌بانان دانش نامید. این نام‌گذاری با توجه به فرهنگ حاکم در آن زمان یعنی اومانیزم و بر حذر داشتن وی کتابدار را مبنی بر اینکه در دانش رایج مداخله نکند خود قابل توجه و دقت است. توضیح اینکه دروازه‌بان را می‌توان به سه‌گونه تعبیر کرد. اول مثل دروازه‌بانی فوتبال که وظیفه خاصی بر عهده اوست اما به‌عنوان یکی از بازیکنان هم رسمیت دارد و مورد توجه بسیار است و هم در همه فعالیت‌ها و آموزش‌ها و

تمرینات سایر بازیکنان مشارکت دارد. بدیهی است نظر دیویی درباره کتابداران کتابخانه‌ها این چنین نبوده است. تعبیر دیگر از دروازه‌بانی مثل دروازه‌بانی است که بر در یک کارخانه و یا هر محیط دیگر فقط مواظب ورود و خروج است و بر حسب وظیفه‌ای که برای او تعیین شده است کاری جز توجه به ورود و خروج و یا بده و بستان ندارد و چه بسا از داخل مجموعه اطلاع چندانی هم نداشته باشد. این تعبیر برای کتابدار اگر که مدنظر دیویی بوده باشد بسیار نازل و سخیف است و کار او را محدود به داد و گرفت کتاب می‌کند که از مجموعه هیچگونه اطلاعی ندارد و نباید هم کاری داشته باشد. و اما حالت سوم راه بینابین است که با آنکه از مجموعه اطلاع دارد اما حق اظهار نظر ندارد و نباید به علوم متداول از جمله اومانیسم در آن زمان ورود و مداخله کند. در هر حال این نگاه، تحدیدی برای کتابدار نسبت به دانش رایج است که میراث تفکر دیویی و تعیین جایگاه کتابدار از نظر او است و به آسیب‌هایی انجامیده است که هم اکنون در بسیاری از جاها کتابداران با آن دست بگریانند:

دیویی به شدت بر این باور بود که کتابداران باید بیشتر با کنترل کتابشناسی کتاب‌ها سرو کار داشته باشند تا با محتوای آنها. بنابراین، به‌طور سنتی کتابدارها و اداره‌کنندگان اطلاعات خودشان را دروازه‌بانان دانش بشری می‌دانستند، نه اینکه مروج بخش خاصی از دانش باشند. با وجود این، دیدگاه مذکور ارزش‌های اومانیستی را در خود نهفته دارد؛ این ارزش‌ها تأثیر سیاسی فرایندهای فرهنگی و انتقادی را که مدیریت اطلاعات با آن سر و کار دارد، خنثی می‌کنند. ادعای قضاوت نکردن و بی‌طرفی بین شقوق دانش، این فرض را در خود نهفته دارد که ارزش‌های فرهنگی خاصی را به منزله ارزش‌های غالب پذیرفته‌ایم (۶۱).

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که به گفته تردینیک آنان هم نباید در علوم مداخله و اظهارنظر کنند و هم نباید به ممیزی (سانسور) گرایشی داشته باشند؛ زیرا حقی در این رابطه ندارند و فقط حدشان دروازه‌بانی و حفاظت و نگهداری است. از این رو با چالشی که در دنیای جدید و در فضای مجازی به وجود آمده باید در این سنت دیویی تجدیدنظر شود. ضمن اینکه بی‌طرفی خود به نوعی حاوی طرفداری و جانبداری است. زیرا کسی که بی‌طرف است در واقع از وضعیت موجود دفاع می‌کند و پاسدار ارزش‌های موجود است و این همانی است که دیویی به دنبال آن بود. بی‌طرفی یعنی پاسداری از گفتمان و طبقه حاکم در سنت روشنفکری. به قول

تردینیک آرمان اومانستی حرفه کتابداری این تصور که دانش انعکاسی از طبیعت است را از ایدئالیسم افلاطون گرفته است که «طبقات کلی اشیاء رابطه‌شان را با یکدیگر نه از تشابه فراگیر بلکه از میزانی که در ایده آن شیء شریک‌اند به دست می‌آورند»؛ همچون سایه‌ها و مُثُل‌ها (۶۵). از این رو کتابداران در فهرست‌نویسی هم موظف شدند تا درباره کتاب‌ها تا حدودی نظر بدهند و آنها را بر اساس آنچه که آن را «دربارگی»<sup>۱</sup> نامیدند رده‌بندی کنند و چون محدودیتی در این کار بود، به ناگزیر مهم‌ترین رده‌ها از نظر آنان، و نه از نظر مراجعه‌کنندگان مدنظرشان قرار گرفت و کتاب‌ها را به سلیقه خاص خودشان به نوعی در مفهوم دربارگی خلاصه کنند (۶۶). تردینیک می‌گوید: بنابراین طرح رده‌بندی و فهرست‌نویسی هم نمادی از کتاب و نه تمام آن است و همچنانکه کتاب‌ها در مجموعه‌ها و قفسه‌ها به عنوان شیء مادی تلقی می‌شوند سبب شد تا اطلاعات را مادی بدانند و به کتابدار امکان داد تا با متن به منزله نمادی از معنایش به صورت «در باره‌گی» بنگرد و آن را از طریق رده‌بندی و فهرست انتقال دهد (۶۶). مدل شانون در ارتباطات و سپس تسری آن به علم اطلاعات این مسئله را پررنگ‌تر کرد (خندان و فدائی، ۱۳۸۸).

آنچه تردینیک به خوبی مورد توجه قرار می‌دهد این است که در دنیای سنتی یعنی در دوران نسخ خطی اظهارنظر بر روی نوشته‌ها آزاد بود و هر نوشته‌ای توسط حاشیه‌نویسان، شارحان و حتی منتقدان مورد بررسی قرار می‌گرفت و به نوعی نویسنده در محاق بود و نوشته و فکر او مورد توجه همه برای اظهارنظرهای گوناگون بود. با ظهور چاپ و قدرت گرفتن تکثیر مطالب، نویسنده خود محور همه مباحث شد و اظهارنظر بر حول موضوع جایش را به مؤلف محوری سپرد و در نتیجه کتابدار و فهرست‌نویس هم ناچار شدند که کتاب او را با توجه به موضوعاتی که خود تشخیص می‌دهند به گونه‌ای در جایی از کتابخانه و قفسه‌های جا بدهند. با ظهور فناوری‌های دیجیتال دوباره سنت دیرین نسخ خطی با سرعتی بیشتر و فراگیرتر خودنمایی کرد و دوباره اظهارنظر همه درباره نوشته‌ها آزاد و رایگان شد. او اضافه می‌کند همچنانکه حرفه کتابداری سنتی با سواد میراث اومانسیم و توجه به رشد دانش، هنر، و فرهنگ جامعه، بهبود تدریجی وضعیت نشر و تسلط تدریجی بر طبیعت همراه بود (۶۷) آهسته آهسته این طرز تفکر افول کرد و جای خود را به دیدگاه مردم‌محور داد و ظهور تولید مشترک دانشی

1. aboutness

در فناوری‌های دیجیتال، مانند وبگاه‌ها و ویکی‌ها و جنبش نرم‌افزاری آزاد (۶۹) تهدیدی برای حرفه کتابداری سنتی شد و مجدداً خاطره پیش از چاپ را که نسخه‌های خطی محور تبادل نظر و گفتمان بود را زنده کرد (۶۹). تردینیک (۱۳۹۵) با نقل قولی از مانگول، که هر نوع طبقه‌بندی که انتخاب کنیم کتابخانه مستبدانه به عمل خواندن ظلم می‌کند و خواننده باید هوشیار باشد تا کتاب را از مقوله‌ای که به آن تبعید شده است نجات بخشد، می‌گوید با پیدایش فرهنگ چاپ، دوران نسخه‌های خطی که در آن آزادانه نسخ در اختیار محققان بود، وضعیت به هم خورد. او اضافه می‌کند:

در قرون وسطا، هر مورد نسخه‌برداری اساساً کاری خلاقانه و منحصر به فرد بود و نسخه‌پردازان، هم زمان، وظیفه نسخه‌پرداز، ویراستار، سانسورچی، و بهبوددهنده متن را به عهده داشتند و متون را تغییر می‌دادند و یا با هم ترکیب می‌کردند تا با سلیقه خودشان یا پسند حامیان‌شان جور در بیاید... و به‌خاطر همین ماهیت نامتمرکز تولید، اختلاف بین نسخه‌های یک متن زیاد بود (۴۸).

او می‌گوید که در گذشته متن واحد متنی ترکیبی، و هر متن محل تولید ثابت و تفسیرهای متعدد بود و متن اصالت داشت و نویسندگان گمنام بودند (۴۹). با انقلاب صنعتی و ظهور طبقه کارگر و نیاز آنان به سوادآموزی و تفریحات سالم زمینه به وجود آمدن کتابخانه‌ها فراهم شد و چاپ، این خدمت را به آنان کرد (۲-۵۱). ظهور طبقه کارگر و تکثیر فراوان کتاب، اختلاف بین فرهنگ سنتی اومانیستی و فرهنگ نوظهور عامه را تشدید کرد (۵۴). اومانيسم و انگلستان دوره الیزابت و پیدایش طبقه کارگر جدید به همراه تقدیس ماشین، چالشی بود که به وجود آمد (۵۵). آرنولد<sup>۱</sup> می‌نویسد که «عاشقان فرهنگ، مخالفان آشتی‌ناپذیر آناششی هستند و معتقد بود که هم‌نوعان هر طبقه‌ای باید در راه تکامل فرهنگ با آنها همگام شوند» (۵۶). تلقی آرنولد از فرهنگ و تقدیر انسان قرن نوزدهمی بر چند مورد تأکید دارد: «ترتیب، کنش خلاقانه اصیل و ارزش‌های فرهنگی ناگفته و پذیرفته شده‌ای که مبنای عقلانی (تجربی) ندارند بلکه ریشه در باوری روحی به هارمونی بشری دارند» (۵۶).

1. Arnold

### چرا کتابداری را حرفه می‌دانند

اومانیسم به تهدید علم و فناوری قائل بود و از نخبه‌گرایی فرهنگی اقلیت تجلیل می‌کرد و در مقابل دست‌درازی‌های کارگران، کتابخانه مکانیک و کتابخانه تجار به‌طور فزاینده‌ای رشد کرد (۵۷) و بنابراین کتابخانه عمومی بیش از آنکه تقاضایی از سوی طبقه پائین باشد تحمیل از جانب طبقه بالا بود (۵۸). از آن پس کتابخانه‌ها به سطح دانشگاه هم گسترش یافت (۵۹). پس از حرفه‌ای شدن کتابداری در امریکا و تشکیل جلسات انجمن کتابخانه امریکا، بحث بر سر این بود که این کتابخانه‌ها چه نوع کتاب‌هایی داشته باشند.

از آنجا که با طرح دیویی کتابدار نباید در علوم مداخله کند و به‌عنوان دروازه‌بانی برای پاسداری از وضع موجود که در آن زمان اومانیسم بود لذا این رشته به حرفه تبدیل شد که جایگاه مشخصی در حوزه‌های علمی برای اظهار نظر ندارد. متأسفانه این تلقی همچنان رایج است و جامعه علمی در دنیای امروز هم کم و بیش بر این عقیده‌اند. در ایران ما همواره سعی می‌کرده‌اند و هنوز می‌کنند که برای ریاست کتابخانه، و به ویژه کتابخانه‌های بزرگ، فردی به اصطلاح علمی را بگمارند. مفهوم مخالف آن این است که کتابدار فردی علمی نیست و او حرفه‌مند است و باید به کار خود مشغول باشد، بدون اینکه حق داشته باشد در مسائل علمی دخالت کند و از این نظر بود که دیویی زنان را به دلیل نسبت پائین‌تر سطح تحصیلات به حقوق آنها در مقایسه با مردان برای تصدی امور کتابخانه تشویق کرد<sup>۱</sup> (۶۰). از این اسف‌بارتر این که خود کتابدارها و حتی جامعه علمی کتابداری هم عملاً بر این باورند و همچنان بر طبل حرفه بودن رشته می‌کوبند!!

### نقد طبقه‌بندی در جهان امروز

#### ارزش‌های اومانیسم

ارزش‌های اومانیسم بر حرفه کتابداری آنچنان قوی بود که تاکنون نیز ادامه دارد. اینکه کتابداران به عنوان دروازه‌بانان دانش مطرح شدند و دیویی مدافع آن بود، نشانی از پاسداری از فرهنگ اومانیسم بود. دیویی معتقد بود کتابداران باید بیشتر با کنترل کتابشناختی کتاب‌ها سر و کار داشته

۱. درباره کتابداری و زنانه بودن آن بنگرید به منبع زیر:

Koevoets, S. (2013). *Into the Labyrinth of Knowledge and Power: The Library as a Gendered Space in the Western Imaginary*. PhD Thesis, Utrecht University, Utrecht, Netherland.



باشند و نه محتوای آنها (۶۱) و اینکه کتابداران در محتوا دخالت نکنند و تنها به فهرست‌نویسی و رده‌بندی مشغول باشند. تردینیک (۱۳۹۵) می‌گوید که ادعای قضاوت نکردن و بی‌طرفی بین شقوق دانش، این فرض را در خود نهفته دارد که ارزش‌های فرهنگی خاصی را به‌مثله ارزش‌های غالب پذیرفته‌ایم. دیویی در واقع دیدگاه اومانستی خود را در رده‌بندی‌اش داخل کرد (۶۲). او ضمن ناممکن بودن ساخت یک تقسیم‌بندی تمام‌عیار، فلسفه و دقت نظر را فدای کاربرد عملی نمود (۶۲). بنابراین رده‌بندی دانش دیویی منطبق است بر دانش موجود که در برگیرنده دیدگاه خاصی نسبت به وضعیت دانش بشری است و با روشنفکری و پیشرفت علمی روز هماهنگ است (۶۲). تردینیک می‌گوید: دیویی با آنکه ناگهان این طرح به ذهنش می‌رسد ولی او آن را از طرح‌های بیکن و هگل وام گرفته است. او به سلسله‌مراتب دانش معتقد بود؛ هر چند طبقه‌بندی او با طبقه‌بندی بیکن و هگل تفاوت داشت (۶۱-۶۲). به اعتقاد ویگند (۱۹۹۸):

عادلانه است بگوئیم که این طرح رده‌بندی در طول قرن گذشته، بی‌صدا و پوشیده، جزو یکی از مؤثرترین نیروهایی بوده است که در تحکیم و ادامه حیات بقایای پراکنده پدرسالاری اروپا نقش داشته است» (۶۴).

#### حق مؤلف

نکته دیگری که از چالش‌های عصر دیجیتال و فضای مجازی می‌توان یاد کرد مسئله حق مؤلف است که مشکلاتی را پدید آورده است. در این محیط دیگر نباید از وحدت اطلاعات یاد کرد؛ بلکه آن را باید به شکل گسسته و متفرق نگریست (۱۲۷) و کپی‌لفت در این محیط به وجود آمده است که ممکن است پاسخی پایدار هم نباشد (۱۲۸). در دوران قبل از چاپ، نویسنده در حاشیه بود و حق مالکیت فکری هم خیلی جدی نبود. پس‌اساختارگرایان می‌گویند با تحمیل نام نویسنده بر متن گویی مدلول نهایی را مشخص و ثابت کرده‌ایم و فوکو معتقد بود که نویسنده نقش یک ویراستار را دارد و متون را در گفتمان به رسمیت می‌شناسد و اینکه نویسنده جزو لاینفک نوشته نیست. بارت<sup>۲</sup> هم می‌گوید اهمیت نویسنده بیانگر اوج و تجسم ایدئولوژی سرمایه‌داری است (۲۰۵). تولیدات کتابشناسی نیز تأکیدی بر اهمیت نویسنده و متن دارد که متعاقب آن مالکیت ادبی و تفکر سرمایه‌داری در آن است (۲۰۵). گسترش اطلاعات رابطه

1. Wiegand

2. Barthes

شمایل‌وار حامل‌های اطلاعات مادی را به چالش کشید و رده‌بندی مردمی، ویکی‌ها، نرم‌افزار متن‌باز مفهوم خلاقانه دوران چاپ را زیر سؤال برد در نتیجه مفهوم مؤلف و نویسنده رنگ می‌بازد. به اعتقاد تردینیک باید این را ناشی از تأثیر چاپ دانست که جایگاه متن را ارتقاء و اقتدار بخشید و کتابداری و بعداً علم اطلاعات آن را تقویت کردند (۲۰۳):

کتابخانه از ارزش‌های فرهنگ چاپ، اومانیسیم غایت‌انگارانه و عقل‌گرایی اومانیسیم اشباع شد، نقش فرهنگی کتابخانه این شد که از حافظه فرهنگی حفاظت و آن را تثبیت کند. اما با افول فرهنگ چاپ در قرن ۲۱ ما با چالش و تهدید جدی‌تری علیه این ارزش‌های منفی مواجهیم.

استخراج کتابشناسی‌ها هرگز یک فعالیت خنثی نیست و ارزش‌های تفسیری خاصی را در بر دارد که با ظهور دوران دیجیتال کم‌رنگ شده است و به ارزش‌های دوران دست‌نویسی مشابهت بیشتری پیدا کرده است (۲۰۵). وحدت متنی نیز محصول دوران کلاسیک است و کتابداران بر این اساس کتاب را در قفسه‌ها جا می‌دهند که دوران پسا‌ساختارگرایی آن را به چالش کشیده است. به عقیده فوکو «مرزهای یک کتاب هیچگاه به روشنی مشخص نیست و هر کتاب گرفتار نظامی از ارجاعات به دیگر کتاب‌ها، دیگر متون و دیگر جملات است؛ هر کتاب یک گره در یک شبکه است» (۲۰۷) و این همان مفهوم بینامتنیت است که آن را فضای گفتمانی فرهنگ می‌نامند و این همان تعریف هایپرتکست هم هست (۲۰۸). بارت در توصیف مشهورش متن را بافتی از نقل قول‌ها می‌داند که از مراکز بی‌شمار فرهنگ‌ها اقتباس شده‌اند و ایده وحدت متنی ذاتی را منکر می‌شوند (۲۰۹).

#### دربارگی و نظام معنا

امروزه با گسترش فلسفه تحلیلی و توجه بیشتر به نقش زبان حوزه علم اطلاعات هم از آن بی‌نصیب نمانده است. بحث دلالت الفاظ بر معانی و جستجوی برای کشف معنا سنت فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی را با چالش مواجه کرده است به این معنا که اگر بحث قدیمی دلالت و آن هم به صورت مطابقی آن را در نظر بگیریم نمی‌توانیم مطمئن باشیم که آنچه کتابدار به عنوان فهرست و یا نمایه تعیین می‌کند پاسخگوی نیاز کاربر باشد و صرفاً به محدوده‌ی دربارگی بسنده می‌شود و بسیاری از معانی از بین می‌رود. در حالیکه معنا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نمی‌توان آن را در قالب اصطلاحاتی محدود نشان داد. در مقابل دربارگی از

دلالت ضمنی سخن به میان می‌آید که آنهم در نوع خود با مشکلاتی مواجه است ولی مدعی است دایره معنایی را گسترش می‌دهد. تردینیک می‌گوید که گفتمان حرفه‌ای علم اطلاعات بر دربارگی متون و به معنای آنها استوار است و همانطور که بلکین گفته است این ابهام از طرف طبقه‌بندی‌ها و نیز کاربران جستجوگر این شکاف را عمیق‌تر کرده است. با تکثیر و ازدیاد اطلاعات، تعداد تفاسیر ممکن آن‌قدر زیاد می‌شود که هیچ معنایی را از پیش نمی‌توان برداشت کرد (۱۵۴). نکته مهم‌تر این که چنین فرض می‌شود که غالباً عملکرد دلالتی زبان، یعنی دربارگی متن، تنها حالت بازنمایی است و عملکرد ضمنی متن و یا معنی ژرف‌تر آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد (۱۵۵). شاید بتوان معنی دلالتی متن را صورت مختصر و ساده شده‌ای از بازی گسترده دلالت ضمنی دانست. یعنی معنی اطلاعات وابسته به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است که ما بر آن به‌عنوان رمزگان فرهنگی تحمیل می‌کنیم و دلالت و دربارگی بخشی از آن را نشان می‌دهد؛ همچنانکه نگرش اومانستی و پوزیتیویستی است که کتابداری علم اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۵۶). تردینیک مطرح می‌کند که «نشانه هر چیزی است که می‌تواند جانشین چیز دیگر در یک نظام نشانه‌ای شود و زبان یکی از مهم‌ترین آنهاست» (۱۶۱). از دیگر انواع نشانه‌ها می‌توان به سینما، تبلیغات، چندرسانه‌ای‌ها و هایپر تکست اشاره کرد. علم اطلاعات نیز از نظام زبان و نشانه‌های ساختگی مانند فراداده، طرح‌های رده‌بندی، نمایه‌ها و ساختار سلسله‌مراتبی استفاده کرده است و چون نشانه به جای چیز دیگر می‌نشیند در مطالعه اطلاعات دیجیتال جایگاه ویژه‌ای دارد (۱۶۱).

تردینیک معتقد است که می‌توان از نشانه‌شناسی و ساختارگرایی برای بررسی نظام معنا استفاده کرد از جمله: سیستم‌هایی که در بازیابی اطلاعات مانند پایگاه‌های داده‌ها، سیستم‌های فهرست‌نویسی، و هایپر تکست و نیز محتوای آنها مثل مجموعه‌ها، کتابخانه‌های دیجیتال، رکوردهای یک پایگاه داده‌ها و محتوای یک شبکه هایپر تکست کاربرد دارند (۱۸۲). وی معتقد است که نشانه‌شناسی مشکل ذهنیت و عینیت مورد نظر الیس<sup>۱</sup> را با جمع کردن دال و مدلول در نشانه حل کرده است (۱۸۲). از نشانه‌شناسی برای توصیف ساختارهای شبکه‌ای در عصر دیجیتال هم می‌توان استفاده کرد. این توجه نشانگر تغییر نگرش به اطلاعات و ساختار در حال تغییر جامعه است. در عصر چاپ اطلاعات از محملش جدائی‌ناپذیر بود در حالی که در

1. Ellis

دنیای دیجیتال مورد چالش قرار گرفته است. در دنیای دیجیتال، ساختارهای غیرخطی تری از اطلاعات و دانش مورد توجه قرار می‌گیرد که متکی بر شبکه هستند (۱۸۲-۱۸۳).

### نظام شبکه در مقابل نظام سلسله‌مراتبی

نظام‌های بازیابی خودکار متون که توسط ماشین ممکس طراحی شد منجر به استفاده ارجاعات درون‌متنی (هایپر تکست) شد و کم به کم به سمت وب جهانگستر رفت و نظام شبکه را، همانند آنچه در مغز انسان می‌گذرد به ساختار سلسله‌مراتب افزود که رونق زیادی در تفکر انسان قرن بیستم پیدا کرد (۱۸۵). «سوسور<sup>۱</sup> با تعلیق واقعیت، مفهوم زبان را به منزله شبکه‌ای از معانی وابسته تقویت کرد» (۱۸۵) و برنرز لی<sup>۲</sup> گفت «با یک نظر افراطی می‌توان گفت که جهان فقط روابط است و لاغیر» (۱۸۵). و این همان ارزش منفی نشانه‌های سوسور است (۱۸۶). در اینجا می‌توان تفاوت بین رده‌بندی سلسله‌مراتبی دیویی را با آنچه رانگاناتان به عنوان نظام چهریزه‌ای ابداع کرد مشاهده نمود (۱۸۶). این مفهوم در اطلاعات دیجیتال هم به کار رفته است. رده‌بندی چهریزه‌ای نگاه نشانه‌شناختی به اطلاعات دارد که مادیت اطلاعات را محدود می‌کند. البته رده‌بندی چهریزه‌ای مکمل رده‌بندی شمارشی هم به کار آمد (۱۸۷). همچنانکه دیویی به محافظه‌کاری کتابدار معتقد بود در مقابل رانگاناتان وضعیتی دیگر داشت. او با ابداع طرح چهریزه‌ای خود کتابداران را نسبت به تعیین موضوع فعال‌تر کرد و هم اینکه کاربران هم می‌توانند مطابق نظر و سلیقه خود به مطالعه و جستجو بپردازند و با کتابدار به نوعی مشارکت کنند. در واقع این توصیفات سوسور و پیرس<sup>۳</sup> بود که ما را به سوی ساختار شبکه‌ای در مقابل ساختار سلسله‌مراتب هدایت کرد (۱۸۴).

تردینیک به مفهوم نشاندار بودن که توسط مکتب پراگ<sup>۴</sup> عنوان شده اشاره می‌کند و آن این است که در دو گانه‌های متضاد یکی از آنها شاخص قرار می‌گیرد و دیگری در موارد ضروری از آن یاد می‌شود. مثلاً در زن و مرد از شکل مردانه استفاده می‌شود و آنگاه هرگاه زن را بخواهیم خطاب کنیم به آن تصریح می‌کنیم که در آن یک مفهوم به‌منزله معیار و دیگری به منزله انحراف از معیار تلقی می‌شود (۱۸۸).

### ساختارگرایی در مقابل پس‌ساختارگرایی

به نظر تردینیک با توجه به نظرات پس‌ساختارگرایان دلالت متن را به صورت تناظری دال و

1. Saussure

2. Berners-Lee

3. Peirce

4. Prague School

مدلول قبول نداشتند و محیط و زمینه را به‌عنوان گفتمان بر درک معنا مؤثر می‌دانستند؛ ولی این تفکرات در مطالعه اطلاعات کاربرد چندانی پیدا نکرد (۱۹۸). زیرا علم اطلاعات به مبانی اومانستی و عقل‌گرای دانش و روش کشف علوم و علوم اجتماعی وابسته بود. چون متخصصان علوم اطلاعات به‌طور سنتی خود را دروازه‌بانان دانش می‌دانستند که وظیفه‌اش این بوده تا بین دیدگاه‌های مختلف میانجیگری و یا دخالت کند. به ناچار علم اطلاعات خارج از گفتمان است و ارزش‌های فرهنگی غالب را پذیرفته است (۱۹۹).

نسبت رده‌بندی و ساختارگرایی در این است که رده‌بندی جهان را برنامه یک نظم واقعی و عینی می‌داند در حالیکه در پسا ساختارگرایی این چنین نیست. البته لوی اشتراوس بین دو نحوه تفکر علمی و تفکر ابتدایی فرق گذاشت و آن اینکه در تفکر تحلیلی طبیعت را می‌توان به دسته‌بندی‌های دقیق و جزئی تقسیم کرد ولی در تفکر ابتدایی بنا بر فهم کلی طبیعت است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که فوکو<sup>۱</sup> هم به سنت قبل از روشنگری گرایش پیدا کرده است (۲۰۱). این به این معناست که رده‌بندی کاری به ملاحظات زمانی در مورد معنی و روابط بین متون ندارد و آنها را به حالت تعلیق درمی‌آورد و به یک معنا از آن متون در یک لحظه خاص اکتفا می‌کند... و این آن چیزی است که در سنت عقل‌گرایی روشنگری و اومانسیم قرن نوزدهم ذاتی و نهفته است (۱۹۸-۲۰۳).

پیشرفت‌های جدید علم اطلاعات و مدیریت آن مانند هایپرتکست، وب جهان‌گستر، وب ۲، رده‌بندی مردمی و برجسب‌زنی اجتماعی مفاهیمی هستند که بنیاد رده‌بندی سنتی را مورد حمله قرار داده‌اند (۲۱۱) و اینکه بنیادهای هستی‌شناختی سنتی با تهدید مواجه شده است (۲۱۱). تردینیک اظهار می‌دارد که درک نوشته‌های پسا ساختارگرایان دشوار است و عده‌ای آنها را مهمالاتی در دفاع از اعتبار خود این نظریه می‌دانند (۲۱۲). وب جهان‌گستر نیز وحدت متنی را به چالش کشید که ما را وادار می‌کند که متن را به‌منزله مجموعه‌ای پاره‌پاره از اجزاء بدانیم و نه کل واحد (۲۱۴). با این حال باید توجه داشت که همان نوع از ساختارهای سلسله‌مراتبی که پدیدآورندگان هایپرتکست و وب در پی براندازی آن بودند در وب گسترش یافت و «وبگاه‌ها در مجموع بر طبق طبقه‌بندی‌های صوری سلسله‌مراتبی شکل گرفتند» (۲۱۵-۲۱۱).

1. Foucault

## آیا با جهانی سازی طبقه‌بندی از بین رفته است؟

تردینیک ضمن بیان تاریخچه علم رایانه و پردازش اطلاعات به پیوستگی منطق و رایانش توجه می‌کند. او می‌گوید گام بعدی را در منطق دیجیتال لایبنز<sup>۱</sup> برداشت. او مقایسه استدلال منطقی را با جبر آغاز کرد اما نتوانست یک مجموعه نماد مناسب پیدا کند تا کل تفکر بشری را دربرگیرد (۱۰۷-۱۰۸). جورج بول یک قرن و نیم بعد با طرح مجموعه‌ها گامی مهم برداشت و عملگرهای منطقی «با» و «یا» و «نه» را به وجود آورد (۱۰۹). گو تلوب فرگه<sup>۲</sup> گام بزرگ‌تری برداشت و منطق ریاضی را بسط داد (۱۱۰-۱۱۱). راسل<sup>۳</sup> به دفاع از این اصل که می‌توان ریاضیات را به منطق فروکاست ادامه داد (۱۱۲). نویسنده در ادامه از رایانش دیجیتال سخن می‌گوید و از شانون و سپس از تورینگ یاد می‌کند. تورینگ<sup>۴</sup> برای آنکه مدلش را ساده کند از اعداد دودویی استفاده کرد (۱۱۴). ماشین مفهومی به تورینگ امکان داد تا مسئله‌ای را حل کند که ده‌ها سال در ریاضیات بدون جواب مانده بود (۱۱۵). با آغاز جنگ جهانی دوم رؤیای ساخت ماشین تورینگ به واقعیت پیوست (۱۱۶). با توجه به اینکه منطق، تقلیل‌گراست برای فهمیدن کل باید آن را به اجزاء تحلیل کرد (۱۱۹) و از این رو الگوریتم به زبان رایانه ساخته شد. الگوریتم‌ها خود به خود از داده‌ها به وجود نمی‌آیند و الگوریتم قبل از پردازش اطلاعات وجود دارند... از این رو، موقعیت الگوریتم مانند موقعیت نظریات علمی است (۱۲۰). با آنکه اطلاعات بر اساس مفهوم «بیت» شانون مدل‌سازی شده بود ولی معنی اطلاعات خود مسئله مهمی است و نباید چنین تصور نمود که جهان مجموعه‌ای گسسته از «بیت»‌هاست بلکه طبیعت با پیوستگی به کار خود ادامه می‌دهد (۱۲۱). به هر حال کار تورینگ کارکردگرایی را مطرح کرد و اینکه:

اگر خروجی دو فرایند مشابه باشند می‌توان از چگونگی رسیدن به این خروجی چشم پوشید... و این در مدل‌سازی رایانه‌ای نقشی اساسی دارد (۱۲۲).

از چالش‌های اطلاعات دیجیتال این که علیرغم مادیت آن به صورت دودویی، نمی‌توان از ماهیت اجتماعی فرهنگی آن غافل بود زیرا در سطح پردازش رایانه‌ای، معنا از اطلاعات حذف می‌شود (۱۲۳). در هر حال محیط دیجیتال به کاهش هزینه‌ها منجر شد و همین باعث ازدیاد اطلاعات، و در عین حال پایایی و مانائی اطلاعات هم گردید (۱۲۴). انقلاب رایانش راه وسطی بین قیاس و استقرا به نام مدل‌سازی به وجود آورده است که گاه برای پیش‌بینی مانند

1. Leibniz      2. Frege      3. Russelle      4. Turing

پیش‌بینی جوی و محیط‌زیستی (۱۲۸) و گاه برای درک فرایندهایی است که در حال حاضر در سامانه رخ می‌دهد و پیش‌بینی در آن راه ندارد (۱۳۰). مشکلاتی که در پیش‌بینی به وجود می‌آید یکی تقلیل‌دهی پدیده مورد پژوهش است و دیگری این است که ارزش یک مدل قاعده‌محور در میزان دقتی نیست که فرایندهای واقعی درون سامانه را مدل‌سازی می‌کند بلکه در دقت پیش‌بینی نهایی‌اش است و سوم کاهش است که در مقدار کل اطلاعات پیش می‌آید (۱۲۹).

### آیا در دنیای دیجیتال گفتمان غالب از بین رفته است؟

آنچه تردینیک به اختصار می‌پرسد این است که آیا در فضای مجازی گفتمان غالب از بین رفته است و همانند زمانی که اومانیسیم مورد توجه بود و کسی کمتر حق داشت به آن اعتراض کند اینک هم همان محدودیت وجود دارد؟ به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی اگر چه به نظر می‌رسد همه آزادند و شعار آزادی یکتا شعار روز شده است اما در عمل گفتمان غالب در دست کسانی است که فناوری در اختیار آنان است، و کسانی فناوری در خدمتشان هست که از ثروت و مکتبی برخوردارند. بنابراین علیرغم این شعارها قدرت گفتمانی از آن قدرتمندان اقتصادی است که آنان خود فناوری و سیاست را قبضه کرده‌اند. اومانیسیم امروزی در دست این طبقه در جهان است. به ندرت می‌توان گروهی را پیدا کرد که با آرمان‌های آزادی‌خواهی و انسان‌دوستی بتوانند حرف خود را به کرسی بنشانند مگر آنکه از جان خود بگذرند و منتظر باشند تا در آینده ثمرات آن ظاهر شود. به همین منوال اگر روزی طبقه کارگری بود و طبقه مرفه مجهز به اومانیسیم برای کنترل آنان به ایجاد کتابخانه دست می‌زد اینک باز هم طبقه مرفه برای کنترل آحاد جهانی به ایجاد وب‌سایت‌ها و نیز موتورهای جستجو اقدام نموده و از این طریق به کنترل آنان با امکانی بهتر و دقتی کم‌نظیرتر پرداخته است (۲۱۷). شاهد بر این مدعا اظهارنظرهای صریح و گاه ضمنی قدرت‌های بزرگ مبنی بر استفاده اطلاعات از موتورهای جستجو همچون گوگل و یاهو و تلگرام و امثال آنان است. بنابراین طبقه کارگر امروزی اغلب مردم جهان است که سخت دلبسته و مسحور استفاده از فناوری هستند و در عین حالی که غرق در شادی از داشتن آزادی هستند بی‌هیچگونه زحمتی همه اطلاعات خود را در اختیار دارندگان قدرت می‌گذارند و به آن هم افتخار می‌کنند. همچنین باید توجه داشت که جهانی‌سازی که شعار امروز به اصطلاح خیرخواهان جهان است! به نفع دارندگان قدرت است. این مسئله از دو بعد قابل بررسی است اول اینکه در بین عموم

مردم کسانی بیشتر از فناوری استفاده می‌کنند که دارای امکانات بیشتر به لحاظ مالی، وقت و هوش و استعداد هستند. پدید آمدن طبقه روشنفکر امروزی حاصل استفاده از فناوری است و به محض برجسته شدن آنان توسط قدرت‌های بزرگ شکار می‌شوند و در خدمت آنان قرار می‌گیرند. تردینیک می‌گوید: با وب و ویکی‌ها نابرابری از بین نرفته است و اگر چه دسترسی‌ها آزاد شده است ولی در عوض نقش زمان به منزله عاملی مهم و تفاوت‌ساز در دسترسی به اطلاعات است و افراد باید وقت کافی برای جستجو داشته باشند و طبعاً کسانی می‌توانند استفاده بهتری کنند که به منابع مالی و آموزشی بیشتری دسترسی دارند (۲۱۶). وب ۲ و کتابخانه ۲ شامل ویکی‌ها و بلاگ‌ها، رده‌بندی مردمی، برجسب‌زنی اجتماعی، خبرک‌های آر.اس.اس تعامل بیشتر با کاربر برای خلق کتابخانه‌های مشارکتی و تعاملی استفاده می‌شود که آن را به‌عنوان عاملی دموکراسی‌ساز برشمرده‌اند. ولی باید توجه داشت که وب ۲ نوشتادوری فناورانه برای همه تبعیض‌ها نیست بلکه صاحبان آن مثل آمازون از نقد خوانندگان برای استفاده‌های تجاری بهره می‌برند (۲۱۷). به قول فوکو، قدرت همواره میل دارد خود را در گفتمان، ابدی و جاودانه کند و لذا کسانی می‌توانند مشارکت بیشتری داشته باشند که قابلیت‌های لازم را کسب کرده باشند و این به دست صاحبان قدرت است (۲۱۸).

بنابراین به نظر تردینیک طبقه‌بندی و یا رده‌بندی امروز با قوت هر چه بیشتر ولی با شکلی دیگر همانند وب ۲ به حیات خود ادامه می‌دهد و از امکانات عمومی و استعدادهای جمعی به نفع خود استفاده می‌کند. پدید آمدن نظام‌های مردم‌مدار برای طبقه‌بندی پستری گسترده برای استفاده از توان عمومی مردم جهان به نفع دارندگان قدرت و ثروت است (۲۱۸). به تعبیر دیگر گفتمان غالب باز هم قدرت است؛ قدرت فناوری که خود تولیدکننده ثروتی بی‌نظیر در جهان است و دارندگان ثروت اقتصادی بیش از دیگران از آن بهره می‌برند. اینک آنچه مهم است این است که آیا کتابداران همچنان دروازه بانان دانش مانده‌اند و یا باید به شکل دیگر به حیات خویش ادامه دهند. به نظر می‌رسد وضعیت جهان تغییر کرده است و همچنانکه از وضعیت سازمان‌محوری به کاربرمحوری تغییر یافته و جمع‌کثیری خود تولیدکننده و بهره‌بردار دانش و اطلاعات هستند کتابداران هم نمی‌توانند به همان وضعیت سابق باقی بمانند و به شکل قبلی دروازه‌بان دانش باشند. اینک قابل قبول نیست که کتابدار از دانش رایج زمان بی‌بهره باشد و



صرفاً پاسدار وضع موجود باشد. البته اگر به دقت بررسی شود به نوعی همه پاسدار وضعیت شکل گرفته توسط آنهایی که داعیه جهانی کردن را دارند هستیم ولی بی‌اطلاعی از وضعیت موجود و روند شکل‌گیری تغییرات که همگی از آن مطلع هستند اجازه نمی‌دهد که کتابداران همچنان درازه‌بان حداقلی باقی بمانند. آنها در این شرایط باید خود را مجهز به انواع علوم رایج و نیز فلسفه علم بنمایند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. تردینیک هم می‌گوید: از دیدگاه سنتی اگر متخصص اطلاعات را به منزله دروازه‌بان بی‌طرف دانش بدانیم مشکل ساز است و ما به جای بی‌طرفی وی باید او را در ترویج بعضی از اشکال دانش فعال کنیم (۲۴۰).

به عقیده من حیات کتابداران و اطلاع‌رسانان دیگر به دروازه‌بانی حداقلی نیست بلکه باید دروازه‌بانی باشند که خود جزو بازیگران دانش در صحنه‌اند. آنها باید به علوم روز مجهز باشند و این امر با توجه به گستردگی علوم در جهان امروز زمانی شدنی است که آنها تخصص‌گرا شوند. باید شرایط آموزش در این حوزه مهم تغییر یابد. باید کتابداران علاوه بر دانش رسمی رشته خود حتماً به تخصص زمینه‌ای حوزه‌ای که می‌خواهند در آن کار کنند مجهز باشند. پیشنهاد این است که پس از دوره کارشناسی، اگر وجودش ضروری تشخیص داده شود، در دوره کارشناسی ارشد، یا به صورت دو کارشناسی ارشد باشد (دوئال) (فدائی و برمر، ۱۳۹۰) و یا دست کم، در حوزه‌های علوم اجتماعی، انسانی، فنی مهندسی، پزشکی و هنر دروس به‌گونه‌ای ارائه شود تا از همان زمان نوع تخصص معلوم گردد. به موازات این تغییر باید دستگاه‌های علمی و اجرایی با این تغییر آشنا شوند و تعهد بدهند برای رونق دانش و پژوهش از وجود چنین متخصصانی استفاده کنند. آنگاه دوره دکتری هم بر اساس روند جدید مورد بازبینی قرار گیرد.

### تفاوت سنت غربی و اسلامی در کتابخانه‌ها و کتابداری

با توجه به آنچه گفته شد بد نیست مقایسه‌ای اجمالی بین وضعیت و پیدایش کتابخانه در سنت اسلامی و غرب صورت گیرد. بر خلاف سنت غربی که کتابخانه تحمیلی از جانب طبقه مرفه و روشنفکر برای آرام‌نگه‌داشتن طبقه کارگر به وجود آمد و آنها از ورود به مباحث علمی و روشنفکری آن روز منع شدند، در سنت اسلامی و از آن مهم‌تر در تاریخ اسلامی کتابخانه در کنار مساجد و محل عبادت بوده است (منیرالدین احمد، ۱۳۶۸؛ شلیبی، ۱۳۶۱؛ العش، ۱۳۷۲) و همگان در کسب دانش و استفاده از کتابخانه مشترک و مساوی بوده‌اند. اغلب دانشمندان

اسلامی از مساجد برخاسته و از بین طبقه محروم بوده‌اند و این به‌خاطر آموزه‌هایی بوده است که قرآن آن را تعلیم داده بود (حکیمی، مجلسی؛ کلینی؛ ری شهری؛ و بسیاری از کتب دیگر). در ضمن اغلب دانشمندان کتابدار و یا فهرست‌نویس بوده‌اند و نمونه‌های آن بوعلی‌سینا و ابن‌مسکویه است. هرگز کتابدار نه تنها از ورود در مسائل اجتماعی و فرهنگی منع نشده بودند و بلکه به‌عنوان یک وظیفه واجب می‌بایست در امور مردم دخالت کنند. کسی در برابر ستم‌های اجتماعی نباید سکوت کند (نهج‌البلاغه). این به این معنا است که مسائل فرهنگی و اجتماعی در جامعه برای همه و به‌ویژه برای علما و دانشمندان امری جدی و اساسی بوده است و بدون آن عالم بی عمل تلقی می‌شده است. این را بگذارید در کنار این عبارتی که منسوب به آلبرکامو، پوچ‌گرای معروف که وقتی می‌خواهد درباره‌ی خدا باوری بحث کند با توجه به آموزه‌های کلیسایی در کتاب طاعون خود می‌گوید (گیسلر، ۱۳۹۱، ۱۸۷):

۱. یا باید انسان به دکتر پیوندد و علیه طاعون بجنگد و یا به کشیش پیوندد و با طاعون در ستیز نباشد.

۲. نیوستن به دکتر و جنگیدن با طاعون عملی ضدانسانی خواهد بود.

۳. جنگیدن با طاعون جنگیدن علیه خداوندی است که آن را فرستاده است.

۴. بنابراین، اگر انسان دوستی درست باشد، خدا باوری غلط خواهد بود.

بنابراین علما در اسلام خود اغلب به‌نوعی کتابدار بوده‌اند و اگر طبقه‌بندی و یا فهرست می‌کرده‌اند (دیمازی، ۱۳۷۴) برای رفع مزاحمت عده‌ای دیگر نبوده بلکه برای ارتقاء سطح دانش بوده است. در اسلام علم مقابل ندارد چون همه چیز بر مدار علم و دانش صورت می‌گیرد و عقل و جهل در برابر هم قرار دارند (کلینی، بی‌تا. جلد اول) و آن هم به این علت است که آنکس که راه خطا می‌رود هم علم دارد ولی او انتخابش غیرعقلانی است. چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش

### نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت وضعیت طبقه‌بندی علم اطلاعات و دانش‌شناسی (به معنی عام آن) است که بیشتر بر نظرات تردینیک متکی بود. طبقه‌بندی نه تنها از بین نرفته بلکه با شکلی جدید بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی سایه افکنده است. آنچه وی مورد تأکید

قرار داد این بود که نگاه سنتی غربی به کتابداری و اطلاع‌رسانی با پدید آمدن فضای مجازی دیگر قابلیت کاربرد ندارد و کتابداران باید با نگاهی جدید به این حوزه علمی بنگرند. به اعتقاد وی فضای مجازی یادآور دوران نسخ خطی است که محور مباحثات علمی موضوع و نه مؤلف بود و همگان در قالب حاشیه‌نویسی، شرح، نقد و تکمله و مانند آن بر حول موضوع به اظهار نظر می‌پرداختند و دانش را توسعه می‌دادند. کتابداری که زمانی پاسدار ارزش زمان خود یعنی اومانیسیم و روشنفکری بود دیگر نمی‌تواند دوام داشته باشد. دیویی که در تعیین خط‌مشی کتابداری و طبقه‌بندی نقش آفرین بوده است بسیاری از سنت‌ها را پایه‌گذاری کرده است که اینک باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. طبقه‌بندی در دنیای امروز مردم‌محور شده و کتابدار باید با روحیه مردمی همانند همه مردم هم صاحب نظر باشد و هم اهل اطلاع و به مسائل تاریخی و فرهنگی اشراف داشته باشد. کتابدار در دنیای امروز باید بتواند مشاور خوبی (فدائی، ۱۳۹۲) باشد و بدون اینکه بخواهد نظر خود را تحمیل کند همچون همه دانشمندان و صاحب‌نظران اهل فکر و نظر باشد و این یادآور نظر تامپسون (۱۳۸۸) است که می‌گفت کتابدار باید دانشمند باشد. این تغییر نگرش که توسط تردینیک توصیه شده توجه به این حوزه علمی و عملی را با آنچه در تاریخ فکر و فرهنگ اسلامی به علم، کتاب، کتابدار و فهرست‌نگار وجود داشته است تداعی و شباهت‌ها را بیان می‌کند. از آنجا که کتابداران همچون همه محققان نمی‌توانند در همه زمینه‌ها صاحب نظر باشند پس باید حوزه تخصصی خود را از پیش تعیین کنند و به صورت کتابدار تخصصی (فدائی، ۱۳۹۴) در آیند. علم اطلاعات و دانش‌شناسی اگر بخواهد بماند باید با تغییرات به‌وجود آمده خود را مجهز کند و از بی‌تفاوتی نسبت به دانش موجود دست بردارد و ارزش‌های سنتی را بازبینی و دانش آموخته خود را در قالب تخصص‌های گوناگون تدارک و مجهز کند تا همراه و همگام محققان یار و همکار آنان باشد.

## منابع

تامپسون، جیمز (۱۳۸۸). *تاریخ اصول کتابداری*. ترجمه محمود حقیقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
تقسیم‌بندی دیجیتال (۱۳۹۴، بی‌نا). ترجمه زهره رهبری و سمانه قرایی. چیدمان، ۴(۱۲). بازیابی شده در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ از:

<http://www.ensani.ir/storage/Files/20160405145401-9850-245.pdf>

- تردینیک، لوک (۱۳۹۵). *بسترهای اطلاعات دیجیتال؛ رهیافت‌های نظری برای فهم اطلاعات دیجیتال*. ترجمه علی فارسی‌نژاد. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی (بی‌تا). *الحیاه*. تهران: دفتر انتشارات اسلامی. ج. اول.
- خندان، محمد و فدائی، غلامرضا (۱۳۸۸). *نگاهی به مبادی و مسائل فلسفه اطلاعات لوجیانو فلورییدی*. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۰ (۳)، ۴۰-۵.
- دیمری محمد (۱۳۷۴). *بررسی کتابشناسی‌های فارسی و عربی قبل از کشف‌الظنون*. پایان‌نامه کارشناسی - ارشد. دانشگاه تهران، تهران.
- ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
- شلیبی، احمد (۱۳۶۱). *تاریخ آموزش در اسلام*. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- العش، یوسف (۱۳۷۲). *کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین و سوریه)*. ترجمه اسدا.. علوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- فدائی، غلامرضا و برمر، الهام (۱۳۹۰). *دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی: گروه‌ها، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی پیشنهادی*. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۴۵ (۱)، ۱۳-۲۶.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۲). *از کتابداری تا اطلاع‌رسانی تا علم اطلاعات و دانش‌شناسی*. تهران: چاپار.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی*. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۴). *سخن سردبیر: این حوزه برای بقا نیاز به تخصص دارد*. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۱ (۱)، ۷-۱۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). *اصول کافی*. با ترجمه و شرح جواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- گیسگر، نورمن (۱۳۹۱). *فلسفه دین*. ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی. تهران: حکمت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۳). *بحارالانوار*. مقدمه. قم: الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). *سیری در سپهر جان، مقالات و مقولاتی در معنویت*. تهران: نگاه معاصر.
- علی بن ایطالب (۱۳۸۳). *نهج‌البلاغه*. گردآوری سید رضی. ترجمه و شرح سید علی نقی فیض‌الاسلام اصفهانی. تهران: فقیه.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

فدائی، غلامرضا (۱۳۹۶). *طبقه‌بندی در فضای مجازی با تأکید بر نظرات تردینیک*. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۳ (۱)، ۱۱-۳۰.

## Classification in the Digital Space (With Special References to the Tredinnick's Viewpoints)

Gholamreza Fadaie

Professor, University of Tehran, Iran

ghfadaie@ut.ac.ir

Received: 7<sup>th</sup> April 2017; Accepted: 13<sup>th</sup> May 2017

### Abstract

**Purpose:** the aim of this article is to define that the role of classification in the era of digital space not only has not finished but increased significantly

**Methodology:** the methodology in this article is based on document and library searching; especially on the viewpoint of Tredinnick in his book digital information contexts .

**Findings:** Classification and epistemology are intertwined. We cannot go through conception unless we classify; or we classify to concept. Dewey, in his viewpoint toward the librarianship stated some traditions that we encounter with them up to now. These are, according to Tredinnick, librarians are as knowledge keepers, they were forbidden or advised not to penetrate into humanism and the noble state of knowledge in that time, and their profession is mainly allocated to women. Now a day, in the era of post modernism, which the librarianship is mainly user-oriented, those ideas are not applicable, anymore.

**Originality/Value:** Referring to the Islamic traditions toward library and librarianship, the library courses, now, must revise their programs to pace with the new needs of users.

**Keywords:** Classification, Virtual Space, Dewey, Information Science, Tredinnick.